



65

Vol. 17
Winter 2024
P.P: 233-256

Research Paper

Received:
2023-11-24
Revised:
2024-04-11
Accepted:
2024-12-27
Published:
2024-12-27

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



Examining The Theoretical and Praxeological Components of National Security In The 21st Century Using The Analytic Eclecticism (AE) Method

Ahmad Abedi¹ | Hossein Jafari Taheri² | Seyed Alireza Razavi Arani³

Abstract

The concept of "national security", like many other concepts in the field of international relations, has undergone a "paradigm shift". Today, the concept of "national security", which was formed in the bipolar atmosphere after the beginning of the Cold War in 1945, has lost its former meaning. If in the past the goal of national security was the absence of war, today this negative meaning has given way to a positive meaning of national security in which, in addition to the absence of war, national security must be able to include components and parameters such as emancipate people from poverty, repression, the economic oppressor structures, the lack of development, lack of welfare and poor education. The main goal of this research is to investigate the theoretical and praxeological components of "national security" in the 21st century. For this purpose, assumptions, insights and selective variables from the Welsh or Aberystwyth School (Emancipatory Realism), the Paris School (IPS), the Copenhagen School (CS), Poststructuralism (PS) and the theory of Risk Society "Ulrich Beck" are selected and exploited in order to be able to analyze the theoretical and praxeological components of "national security" in the 21st century. This research seeks to answer the main question, "What components and characteristics does national security have in the 21st century?", and presents its hypothesis in fourteen components.

Keywords: National ; Security; Paradigm; Shift; Postpositivism.

1. Faculty member, Associate Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, University of Qom, Qom, Iran
2. Faculty member, Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
3. Corresponding Author: PhD student in criminal law and criminology, department of criminal law and criminology, Yazd branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran
alirazavi.2006@gmail.com
DOR: 20.1001.1.25381857.1403.17.65.8.9

Publisher: Imam Hussein University

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

© Authors





سال هفدهم
زمستان ۱۴۰۳
صص: ۲۵۶-۲۳۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۰۳
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۷
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۷

شاپا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷
الکترونیکی: ۳۶۴۵-۵۲۵۰



مطالعه تطبیقی راهبردهای سیاست کیفری امنیت مدار در برابر جرایم علیه امنیت (ایران، فرانسه و انگلستان)

آیت الله احمد عابدی^۱ | حسین جعفری طاهری^۲ | سید علیرضا رضوی ارانی^۳

چکیده

افزایش جرایم امنیتی با ابعاد بین‌المللی، تلقی ناکارآمدی و شکست سیاست کیفری سنتی را به همراه دارد. لذا سیاست کیفری امنیت‌مدار با این گفتمان که فراگیری ناامنی در جامعه، تضییع حقوق عامه و آحاد اجتماع را زمینه‌سازی نموده؛ بر ضرورت قانون‌نگاری نوین تأکید می‌نماید. با نگاه تطبیقی، تصویب بیش از چهار قانون مرتبط با موضوع تروریسم در دو دهه اخیر در انگلستان و یا استفاده از عبارت موسع «جنایت‌ها و جنحه‌های علیه منافع اساسی ملت» در فرانسه با دربرگیری تمامی عناوین جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و نیز تعریف مصادیق متکثر «افساد فی‌الارض» در ایران، ذیل ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که شامل اقدامات ضد امنیتی داخلی و خارجی، فعالیت‌های بیوتروریسم، مفاسد مخل نظام اقتصادی کشور و سایر جرایم گسترده می‌شود؛ گویای اعمال راهبردهای سیاست کیفری امنیت‌مدار در چند دهه اخیر است. مقاله حاضر، با تبیین پیشینه مکاتب و سیر تطور نظامات با روش توصیفی - تحلیلی، نتیجه‌گیری نموده که الگوهای مواجهه با مصادیق ناامنی سازمان یافته نیازمند باز تعریف است. لذا راهبردهای سیاست کیفری امنیت‌مدار در چارچوب توسعه جرم‌نگاری، اطلاق گرایی، جامع نگری، کلی نویسی و تسری مسئولیت کیفری به معاونین و مطلعین قابل احصاء است. برای نهادینه سازی راهبردهای مزبور، مواردی از جمله تصویب قانون جامع امنیت ملی، تفکیک دادرسی جرایم عمومی و امنیتی، گفتمان سازی از طریق تولید محتوای علمی، ایجاد رویه‌های تقنینی و قضایی در رسیدگی پرونده‌های امنیتی، آموزش و آگاهی بخشی تخصصی نسبت به ضابطان خاص امنیتی مورد پیشنهاد می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: راهبردهای نوین کیفری / نظام افتراقی / امنیت ملی / تروریسم

۱. عضو هیأت علمی، دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران

۲. عضو هیأت علمی، استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، نویسنده مسئول، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران
alirazavi.2006@gmail.com

DOR: 20.1001.1.25381857.1403.17.65.8.9



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

هدف اصلی حکومت‌ها برقراری و استقرار امنیت ملی بوده و سیاست تقنینی هر کشوری با معرفی ضمانت اجرای جزایی در برابر نقض امنیت، حقوق عامه و یا حقوق اشخاص این مهم را تأمین می‌کند. امنیت، پایه و رکن حکومت است؛ و به تعبیر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) «آنجایی که امنیت نیست در واقع هیچ چیز نیست... اگر جامعه امنیت نداشته باشد، حالت اختناق پیدا می‌کند؛ مثل مجموعه‌ای که هوا در اختیار نداشته باشد. این اهمیت امنیت است.» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۷/۲۲؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۴/۲۵)

امروزه با توسعه ارتباطات به ویژه در فضای مجازی، مرزهای جغرافیایی به لحاظ محصور نمودن افراد، اخبار و اطلاعات، کارکرد گذشته را از دست داده و ایجاد خرده فرهنگ‌ها یا گروه‌های فراملیتی را تسهیل نموده است. همین امکان از جنبه منفی، باعث گسترش گروه‌های مجرمانه و جلوه‌هایی از جرایم سازمان‌یافته ضد امنیتی (گاه با جنبه فراملی) شده است.

سیاست کیفری نیاز به معرفی یا بازتعریف راهبردی متناسب با شرایط جدید است. شاید به همین دلیل در مقوله استقرار امنیت مشاهده می‌شود حاکمیت‌ها با عدول از برخی اصول و معیارهای متعارف حقوقی یا قبض و بسط برخی شقوق آن، یک سیاست کیفری ویژه و متمایزی اتخاذ می‌نمایند. البته برگزیدن چنین راهبردی بدون تبعات هم نبوده و «بازتاب رویکردهای امنیت-مدار در عصر حاضر باعث می‌گردد تا حقوق کیفری در چالش با قواعد حقوق بشر قرار گیرد و اسباب تعرض به آن را فراهم آورد.» (لازرژ، ۱۳۹۲: ۵۳) بنابراین عمده‌ترین دلایل در اهمیت و ضرورت تحقیق حاضر لزوم توجه به تطبیق چارچوب‌های مدونه‌ی تقنینی، اجرایی و قضایی با راهبردهای نوین سیاست کیفری امنیت مدار در یک نگاه تطبیقی با سایر کشورها است.

در این راستا مسائل فرعی مختلفی مطرح می‌شود که تبیین نکات و ابهامات آن به منظور دستیابی راهکارهای کاربردی هدف این تحقیق محسوب می‌گردد. از جمله این که الگوی حکمرانی مبتنی بر سزادهی توسعه‌گرایانه امنیتی با لحاظ مصلحت عمومی، تا چه اندازه از پشتیبانی نظری و عملی در سده‌های گذشته برخوردار است؟ از منظر قانونگذاری، صراحت و شفافیت قوانین کشورها ملازم با ارتقاء امنیت هم بوده یا اینکه خود، چالشی برای برخورد با جرایم نوپدید

امنیتی محسوب می‌شود؟ رویکرد پیشگیرانه نسبت به مصادیق ناامنی چه وظایف کنش‌گرایانه برای سازمان‌های امنیتی در خشکاندن ریشه‌های و علل ناامنی ایجاد می‌کند؟ به نظر می‌رسد با لحاظ پیشینه نظری مکاتب مختلف و از منظر کاربرست عملی، الگوهای نوین و متفاوتی در سیاست کیفری قابل شناسایی و یا باز تعریف می‌باشد و نگارندگان درصدد هستند تا از این رهگذر ضمن تئوریزه کردن نظام افتراقی سیاست کیفری امنیت ملی، زمینه ایجاد نقشی پویا و مقابله‌ای با مصادیق ناامنی نوین فراهم گردد.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

اهمیت

- (۱) پرداختن به این موضوع بخشی از خلاء موجود در ادبیات راهبردی نظام عدالت کشور در مقابل با جرایم سازمان یافته امنیتی را مرتفع می‌نماید.
- (۲) انجام تحقیق می‌تواند در شناخت شاخصه‌ها و اهداف مجازات از منظر مکاتب و تأثیرگذاری الگوهای معرفی شده بر حاکمیت مطلوب مؤثر باشد.
- (۳) نتایج این تحقیق در شناخت چارچوب نظام افتراقی کیفری در مواجهه با جرم امنیتی بر مبنای موازین قانونی ایران و سایر کشورها اثرگذار است.

ضرورت

- (۱) نپرداختن به این موضوع همزمان با ارتقاء فناوریهای الکترونیکی و رایانه‌ای و نیز همکاری گروه‌های مجرمانه با یکدیگر و گاه بین المللی، موجب تداوم خلاء موجود در ادبیات راهبردی کشور خواهد بود.
- (۲) انجام نشدن این تحقیق، موجب تداوم غفلت از پیامدهای عدم بروزرسانی رویکرد نسبت به اهداف و شاخصه‌ها مجازاتها و در نتیجه عدم دستیابی به الگوهای نوین حاکمیت مطلوب می‌شود.

پرسش تحقیق

راهبردهای افتراقی سیاست کیفری جاری کشورها برای برخورد با عوامل زمینه‌ساز و جرایم محل امنیت چیست؟

هدف تحقیق

هدف اصلی پژوهش حاضر، تبیین راهبرد کنشگرایانه نظام عدالت کیفری متناسب با تهدیدات نوین سازمان یافته ضد امنیتی است. هدف فرعی تحقیق، امکان سنجی تغییر رویکرد شاخصه‌های کاربست عملی الگوی افتراقی، نسبت به اهداف و شیوه مجازاتها در مکاتب پیشین می‌باشد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر، یک پژوهش کیفی با رویکرد تطبیقی است که از نظر هدف، کاربردی و از حیث ابزار تحقیق، اسنادی و کتابخانه‌ای است. اطلاعات گردآوری شده شامل مباحث نظری، قوانین و مقررات ایران و دو کشور فرانسه (به عنوان الگوی کشورهای حقوق رومی- ژرمنی) و انگلستان (به عنوان الگوی کشورهای حقوق کامن لا) و همچنین تبیین نمونه کیس‌های مرتبط با مباحث تحقیق در دیوان اروپایی بوده است که به روش توصیفی- تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

پیشینه تحقیق

آقای مارک گالتونی (Galeoty, 2007) در کتاب «جرایم جهانی امروز: چهره در حال تغییر جرایم سازمان یافته» معتقد است در قرن بیست و یکم، جرم و جنایت عاملی ثابت و تهدید کننده امنیت در جامعه بشری می‌باشد. از نظر وی با پیچیده‌تر شدن جوامع، جرایم نیز بیشتر شده و هم اکنون مافیای مجازی چالش جدید در اروپا و امریکا محسوب می‌گردد. در مجموع احصاء ویژگی‌های جرایم سازمان یافته ضد امنیتی و به تعبیر نویسنده، معرفی شاخصه‌های جهان زیرین فراملی سیستم‌های اقتصادی باز و سیاست‌های دموکراتیک از سرفصلهای مهم این کتاب است. برنجی اردستانی در مقاله آثار امنیت گرایی در سیاست کیفری ایران و امریکا (برنجی اردستانی، ۱۳۸۹) با احصاء مصادیق دخالت در حریم خصوصی در سیاست کیفری امریکا به ویژه از طریق کنترل تلفن و نظارت موبایل‌ها به تطبیق این موازین با قانون و رویه قضایی و اجرایی کشورمان پرداخته و در مقاله دوم مشارالیها به همراه عبدالعلی توجهی (برنجی اردستانی و توجهی،

(۱۳۹۱) تأکید نمودند سیاست کیفری امنیت گرا در چند دهه اخیر رشد یافته ولی باعث کاهش احساس امنیت اجتماعی میان مردم شده است. لذا سیاست کیفری عدالت محور بایستی به نحوی تعدیل گردد.

مقاله نوشته شده توسط (مجیدی و تاج آبادی، ۱۳۹۸) شاخصه‌های متمایز تقنینی کشورمان در جرایم علیه امنیت را احصاء و الگوی ترسیم سیاست کیفری توسعه گرایانه در تعریف جرایم نسبت به کشگران ناامنی عمومی و برخورد تنبیهی و غیر ملایم در وضع مجازات را تشریح نموده است. (قناد و اکبری، ۱۳۹۶) در پژوهشی معتقد هستند امروزه سیاست جنایی کشورها از اهداف مجرم مداری به سمت جرم محوری تغییر مسیر داده و این سیاست جنایی امنیت گرا، با فرض دشمن دانستن بزه کار از رهگذر جهانی شدن، به دنبال تضمین امنیت حداکثری می باشد. لذا محتوای مقاله را بررسی چالش‌های مزبور و تأثیرگذاری شاخص‌های حقوق بشری سامان می دهد. در پژوهشی دیگر (عالی پور، ۱۳۹۹) خاستگاه حقوقی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران را به بحث گذاشته و معتقد است مبنای اصلی امنیت ملی در ایران بر پایه قانون اساسی، تکلیف همگانی و حقوق و آزادی‌های افراد می باشد. سپس نگارنده بر مبنای مصلحت تأکید می کند حاکمیت بایستی در مصادیق جرایم تروریستی رویکرد استثنای گرا اتخاذ نماید.

مفاهیم و مبانی نظری

به منظور تبیین راهبرد کیفری در تأمین امنیت ملی، ضرورت دارد ابتدا "جرم امنیتی"^۱ تعریف شود. امنیت از ریشه «امن» «به معنی ایمن شدن و در امان بودن است.» (دهخدا، ج ۲، ۱۳۷۹: ۲۸۹۴) معانی دیگری برای امنیت ذکر شده که عبارت است از: «در امان بودن از خطر، نداشتن ترس و آرامش» (انوری، ۱۳۸۱: ۵۷۰) لذا مقصود از اصل امنیت، داشتن طمأنینه و آرامش بوده که با از بین رفتن ترس و نگرانی‌های مختلف ایجاد می شود.

جرایم امنیتی در حقوق کیفری کشورمان در چارچوب دو قسم قوانین عمومی و اختصاصی مدون شده اند. گاهی مفهوم امنیت و ضمانت اجرای کیفری در موادی از قوانین اصلی و یا فرعی (موردی) اختصاصی دیده می شود، که برای مثال می توان به تعریف جرم و مجازات‌های محاربه و

1. Entrapment.

بغی و جرایم ذیل مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی اشاره کرد و از سوی دیگر به صورت موردی در برخی از مواد قوانین متفرقه سال‌های ۱۳۳۶، ۱۳۴۹، ۱۳۵۳ مجازات اخلا لگران در امنیت صنایع جلوه‌های وجود دارد.

از دیگر وجوه اقدام محلّ امنیت ملی، «سازمان یافتگی» این قسم جرایم است که بدو در شرایط معمول، ساده و یا «به طور ناگهانی و خودجوش صورت نگرفته و در ارتکاب آن بیش از یک نفر دخالت دارند.» (Bassiouni, 1990: 25) همین شاخصه در سیاست کیفری کشورمان به موجب تبصره ۱ ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی، عبارت است از «گروه مجرمانه و نسبتاً منسجمی که متشکل از سه نفر یا بیشتر بوده و برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد.» البته به لحاظ تطبیقی، برخلاف ایران که مصداق جرم سازمان یافته ذیل قانون خاصی تعریف نشده در فرانسه، مصداق جرم سازمان یافته ضد امنیتی بر اساس «ماده ۷۳-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری عبارت است از تروریسم، قاچاق سلاح مساعدت به ورود، تردد و اقامت غیر قانونی خارجی‌ان و پولشویی، قتل‌های سازمان یافته، قاچاق انسان، اخاذی و سرقت سازمان یافته، تخریب اموال سازمان یافته، قلب سکه.» (تدین، ۱۳۹۱: ۱۹۹) همانگونه که مشخص است؛ قدر متیقن تعاریف و مصادیق ذکر شده از جرم سازمان یافته امنیتی حکایت از تبعات گسترده، حائز اهمیت و جبران‌ناپذیر چنین جرایمی نسبت امنیت اجتماعی و روانی مردم دارد.

واژه بعدی که توضیح آن ضروریست، امعان نظر بر تروریسم و راهبرد کیفری مقابله با آن است. در قوانین ایران^۱ بر عنصر روانی مرتکب اقدام تروریستی تأکید شده و بر «قصد تأثیرگذاری بر خط مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی دارای نمایندگی در ایران» تصریح شده است. افزون بر این، مقنن متعرض برخی از جرایم حادّ عمومی و امنیتی نظیر خرابکاری در اموال و تأسیسات عمومی دولتی و غیردولتی؛ تولید، نگهداری و قاچاق سموم، عناصر و مواد هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و زیست‌شناسی (بیولوژیک)؛ خرید و فروش و استفاده غیرقانونی و قاچاق مواد منفجره، اسلحه و مهمات شده و وصف تروریستی بودن آن را مشروط به احراز قصد مذکور دانسته است. از منظر حقوق بین‌الملل،

۱. مستفاد از بندهای الف و ب ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب سال ۱۳۹۴.

بر اساس تعریف مندرج در ماده ۲ کنوانسیون بین المللی تأمین مالی تروریسم (مصوب ۱۹۹۹ میلادی) منظور از "تروریسم" عبارت است از «هر اقدامی که با قصد کشتن یا آسیب جدی رساندن به فردی غیر نظامی یا هر شخص دیگری که در خصومت‌های یک وضعیت جنگی شرکت ندارد، هنگامی که هدف اقدام مزبور، بالذات یا حسب شرایط، ارباب مردم یا واداشتن حکومت یا سازمانی بین المللی به عملی خاص یا اجتناب از آن عمل باشد.» (Golder and Georges, 2004: 274)

علوم نظری از گذشته درباره عوامل ایجاد، استقرار پایدار و اثرات «امنیت ملی» مباحثی را مطرح نمودند. در این میان، حقوق کیفری در مقام تعریف ضمانت اجرای نقض ناامنی برآمده، و از آراء و نظریات سایر دانش‌ها به ویژه جامعه شناسی و علوم سیاسی استفاده می‌نماید. دیدگاه‌ها قطع نظر از خاستگاه جامعوی یا سیاسی که دارند؛ بدیهی است اختلافاتی هم با یکدیگر داشته باشند. به همین سبب «حقوق کیفری نیز مصون از این تشتت آراء نیست. امنیت در این زمینه شاخه‌های مختلفی را دربر می‌گیرد و مفهوم امنیت انسانی^۱ مفهومی متفاوت از امنیت نظامی است.» (Jansson, 2009: 10) برای استقرار امنیت انسانی از دو منظر می‌توان به تعریف وظایف و حقوق پرداخت؛ اولاً آحاد مردم که وظیفه‌ی احترام یا به تعبیر دقیق‌تر اجرای حقوق مادی و معنوی یکدیگر و حقوق عامه را بر عهده دارند و ثانیاً حاکمیت، که مکلف است با وضع قانون و تأسیس تشکیلات قضایی برای مردم امنیت ایجاد کنند.

در بررسی راهبردهای نظری سیاست کیفری، واکاوی تمایز میان «امنیت گرایی» نسبت به «امنیت مداری» حائز اهمیت است. در یک شاخص کلی از امنیت گرایی، می‌توان گفت چنانچه «نظام کیفری به صورت مستقل در چارچوب یک واکنش کیفری در قالب تحمیل مجازات، انحراف اجتماعی را به عنوان محصول سیاست جنایی تقنینی و رفتار فاصله گیر از قاعده‌مندی و موضع خطر معرفی نماید، می‌توان گفت که آن نظام کیفری به سمت امنیتی شدن در حرکت است.» (Liansom & Douglas, 2000: 261) چنین رویکردی بدون تبعات نبوده و به دنبال «مبتنی کردن قواعد و مقررات حقوق کیفری بر حاکمیت امنیت است اگرچه به قیمت شکسته شدن عدالت و نگذاشتن پایه احقاق حق بر مساوات و عدم توجه به برخی حقوق بشری متهمان و

1. Human security.

مجرمان تمام شود.» (برنجی اردستانی، ۱۳۸۹: ۳۲) ولی سیاست کیفری امنیت مدار ضمن تأکید بر رعایت حقوق افراد، اتفاقاً ناامنی در جامعه را زمینه ساز تضییع حقوق عامه و آحاد اجتماع می‌داند. از این رو ضمن اولویت بندی در برخورد با مصادیق مجرمانه‌ی محل امنیت کشور بدنبال معرفی الگویی متفاوت، چابک و کارآمد است. شاخصه‌های الگوی «سیاست کیفری امنیت مدار» با بررسی مکاتب سیاسی و گفتمان حقوقی قابل احصاء است. هرچند برخی با اشاره تمثیلی به جرایم امنیتی از این شاخصه‌ها به عنوان استثناء گرایی در سیاست کیفری هم تعبیر نموده و معتقدند «در حال حاضر کثرت اقدامات تروریستی موجب شده تا اکثر کشورها وضعیت استثنایی یا ضروری اعلام کنند.» (عالی‌پور، ۱۳۹۹: ۵۵) ولی بایستی اذعان داشت پیشینه استثناء گرایی نه محدود به حال حاضر بوده و نه به جرم تروریستی منحصر می‌شود بلکه این، گفتمان جدیدی با رویکرد تخصصی گرایی در حوزه حقوق امنیت ملی است.

در ادامه با نظر داشت امنیت مداری در سیاست کیفری جوامع و راهبردهای عملیاتی نمودن آن، ابتدا به اهم نظریات در چارچوب کارکرد دولت‌ها در اعمال حاکمیت، بسط امنیت ملی و تضمین آزادی‌ها و حقوق شهروندان اشاره خواهد شد و سپس با استفاده از سنجه‌های تحلیل موضوعی و بر اساس روش ساختارشکنی^۱، راهبردهای نظری امنیت مدار مورد شناسایی و بازتعریف قرار می‌گیرد.

۷-۱. مکتب کلاسیک

عقاید و افکار فلسفی قرن هجدهم میلادی سهم بسزایی در تحول مبانی فکری و پیدایش مکاتب کیفری داشته است. شخصیت‌هایی همچون ژان ژاک روسو صاحب کتاب نظریه قرارداد اجتماعی و بنتام صاحب رساله قانون گذاری مدنی و جزایی، بر این عقیده بودند که انسان‌ها دارای آزادی اراده با سنجش قبح نتایج رفتار مجرمانه هستند، بنابراین مسؤول جرایمی ارتكابی می‌باشند. در مکتب کلاسیک انسان موجودی عاقل و فهمیده در نظر گرفته می‌شود لذا وقتی به جامعه زیانی وارد نموده و اصول اجتماعی را نقض می‌کند، بزهکار محسوب می‌گردد. با این مقدمه به دلیل

۱. روش مطالعه ساختارشکنی توسط ژاک دریدا تعریف گردید و در علوم نظری مقصود از آن به عدم وجود تفسیر صریح یا صحیح باز می‌گردد. در واقع راه رسیدن به حقیقت از مسیر شکاکیت و تردید میسر بوده و این ادعا که راهبردها و پرسش‌های کیفری و جرم شناسی پاسخ صحیح یا دست کم پاسخ صحیح واحد ندارند، از نتایج رویکرد ساختار شکنانه به حقوق است.

تبعات جبران ناپذیر جرایم امنیتی بر زندگی معیشتی و روان آحاد جامعه، راهبرد کیفری مکتب کلاسیک، مسئولیت مبتنی بر آزادی اراده و منطبق با میزان تقصیر متهم است که به نسبت آسیب بزه ارتكابی و مجازات اعمالی شدت و ضعف می‌یابد.

در این راستا «سزار بکار یا معتقد بود، کیفرها باید متناسب با شدت جرایم باشد که براساس آسیب وارده به جامعه سنجیده می‌شود» (پرادل، ۱۳۹۴: ۵۱) در نظریه فایده‌گرایی در اندیشه بنتام، مجازات مستلزم تحمیل رنج و یا به عبارت دیگر، کاهش لذت به انحاء گوناگون است؛ «از آنجا که هر رنج و المی بد است، لاجرم همه کیفرها فی‌نفسه بدند؛ پس کیفری سودمند و ضروری است که از یک شر بزرگتر جلوگیری کند.» (رستمی، ۱۳۹۴: ۱۵۳) بنابراین از منظر مکتب کلاسیک، مجازات سودمند، مجازاتی است که متناسب با شدت جرم از بازدارندگی و کارایی بیشتری برخوردار باشد.

در راهبرد نظری سیاست کیفری امنیت مدار، شدت سزادهی و کاستن از اعمال تخفیف یا تعلیق در مجازات‌ها در برابر جرایم امنیتی به منصفه ظهور رسیده و با اهداف ترعیمی در مقابل بزه‌کاران در تلاش است، از تکرار جرم توسط مرتکب و ارتکاب جرم بزرگتر از سوی سایرین پیشگیری نماید. هرچند در این رابطه «اتخاذ رویکردهای سرکوبگر مانند حقوق کیفری دشمن مدار ۱ و جنگ علیه تروریسم ۲ تا حدودی حقوق کیفری کلاسیک و ساز و کارهایش را به حاشیه رانده است.» (مجیدی و تاج آبادی، ۱۳۹۸: ۲۹۴) با این وجود الگوهای معرفی شده در این زمینه که در کاربست عملی تبیین خواهد شد، با مفهوم سودمندگرایی در مجازات و تأمین امنیت عمومی تطابق دارد.

لیبرالیسم و نئولیبرالیسم

از اواخر سده هجدهم، شعار عدم مداخله دولت در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و بازار آزاد زمینه‌ای برای ایجاد الگوی جدیدی از دولت، به نام لیبرال را بوجود آورد. نقطه تلاقی دیدگاه لیبرالیسم با راهبردهای تقنینی امنیت محور، مبحث آزادی و حقوق اساسی شهروندان بود. این نگرش بر اصالت حقوق فرد تأکید داشته و «از دیدگاه لیبرالی، فرد بر جامعه و مصلحت فردی بر

1. Criminal law of Enemy
2. war on Terrorism

مصلحت اجتماعی اولویت دارد. در لیبرالیسم، فرد و غایات او اصل و نهادهای اجتماعی از جمله دولت، وسایل تأمین آنها است.» (بشیریه، ۱۳۹۲: ۱۴) بر این پایه، آزادی‌های افراد جامعه نباید مختل شود بلکه این قدرت دولت است که بایستی در مقابل آزادی‌های اجتماعی شهروندان تحدید گردد.

البته لیبرالیست‌ها به دلیل شعار زدگی و افراط گرایی در زمینه اعطای آزادی، موجبات تشدید ارتکاب جرم امنیتی را فراهم آوردند. چراکه به عنوان مثال در «یک جامعه دموکرات، وظایف تبلیغ، جذب نیرو، سازمان‌دهی و افزایش عملیات تروریست‌ها یک امر نسبتاً آسان است. در واقع دولت‌های لیبرال با اعطاء بیش از حد آزادی به افراد، زمینه شورش، اعتراض را فراهم نموده که اوج این آشوب‌ها ممکن است تروریسم باشد. پس باید به یک ارتباط معنادار بین لیبرالیسم و تروریسم اذعان داشت.» (میرمحمد صادقی و قدیری بهرام آبادی، ۱۳۹۴: ۱۵) تجربه نیز نشان داده راهبرد کمینه محور لیبرالیسم در کیفرگذاری جرایم امنیتی به شرایطی منتهی شد که در دهه‌ی نخست هزاره‌ی سوم مخاطرات و عوامل تهدید کننده‌ی اجتماع در قالب جرایم سازمان یافته و گاه بین‌المللی افزایش یافت.

در این شرایط گفتمانی نوین به اسم نئولیبرالیسم، پا به عرصه سیاست نهاد که در مواجهه با اقدامات ضد امنیتی، الگوی توسعه سزادهی نئولیبرالیستی را معرفی نمود. اراده‌ی قانون‌گذار کشورهای نئولیبرالی به صیانت از امنیت عمومی منحصر نشد بلکه «قوی‌ترین و منسجم‌ترین توجیهات مدرن سزاگرایی به ویژه در سالیان اخیر، در محدوده‌ای از ارزش‌های لیبرالی ترسیم شدند.» (رستمی، ۱۳۹۱: ۴۶) این مقوله نیز مؤید چند وجهی بودن مفهوم امنیت است. بدین معنا که سیاست کیفری کشورها برای حفظ ارکان یک تفکر یا حکومت، تعرض بر این پایه‌ها به مثابه اقدام ضد امنیتی، جرم انگاری می‌گردد.

همه کشورها کم و بیش در مورد امنیت ملی و ارزش‌های آرمانی خود رفتاری همسان دارند. از مصادیق این گزاره در قانون کشور ما، تعیین مجازات اعدام موضوع ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای کسانی است که در برابر اساس نظام جمهوری اسلام قیام مسلحانه می‌کنند. از منظر تطبیقی هم می‌توان به وضع قانون هماهنگی و تقویت امریکا به منظور ایجاد ابزار ضروری جهت مبارزه و جلوگیری از تروریسم موسوم به قانون پاتریوت اشاره کرد؛ که «با وجود

منع مجازات اعدام در اسناد بین‌المللی در سال ۲۰۰۳ در امریکا ۱۱۶۴ نفر اعدام شدند و چنانچه اشخاص در اعمال تروریستی دخیل باشند دولت تمام اموال ایشان را مصادره و ضبط می‌نماید چه آن اموال مربوط به فعالیت‌های تروریستی باشد و چه نباشد.» (برنجی اردستانی و توجهی، ۱۳۹۱: ۷۶)

مکتب نئو کلاسیک

مکتب نئو کلاسیک، راهبرد سودمندی مجازات بر اساس مقتضیات اجتماعی را مطرح نمود؛ با این توضیح که هدف اجرای مجازات باید به اندازه‌ای باشد که برای جامعه مفید باشد نه اینکه با اعمال مجازات شدید، مردم نسبت به حاکمیت بدبین شوند. شعار مکتب نئو کلاسیک مبتنی بر عدالت استحقاقی در جمله معروف اورتلان متبلور است که «نه بیشتر از آنچه عدالت می‌خواهد و نه بیشتر از آنچه فایده دارد، مجازات کنید.» لذا در این مکتب به تبعات جرم و تناسب مجازات توجه ویژه‌ای گردید و می‌توان از «آسیب‌زا بودن جرم و تمرکز بر قربانی بزه، به عنوان سزاگرایی جدید یا مکتب «نئو کلاسیک نوین» یاد نمود.» (داودی گرمارودی، ۱۳۸۲: ۶۷)

انگلستان از اوایل دهه ۹۰ میلادی راهبرد مجازات‌های استحقاقی را مبنای تعیین مجازات در مرحله تقنین قرار داد. «تئوری عدالت استحقاقی دارای اصول مهمی است؛ [از جمله اینکه] شدت مجازات باید متناسب با شدت جرم^۱ ارتكابی، میزان صدمه وارده به قربانی بزه و میزان قابلیت سرزنش باشد.» (Easton & piper, 2005: 57) با استفاده از راهبرد سیاست کیفری استحقاقی، شدیدترین نوع مجازات در قوانین انگلستان که تعیین حبس ابد است برای جرایمی همچون قاچاق عمده مواد مخدر و سرقت مسلحانه پیش‌بینی شد. افزون بر این، سهم قربانیان یا آسیب دیدگان جرم در تعیین مجازات مجرم، مهم قلمداد گردید؛ لذا در راهبرد جدید حقوق انگلستان ذیل «مقررات قانون امنیت و ضد تروریستی ۲۰۰۱ و مواد ۳۲-۲۹ قانون جرم و بی نظمی ۱۹۹۸ به دادگاه اجازه داده شد که مجازات بازدارنده‌ای را برای «حمایت یا حفظ عموم» و مجازات‌های حبس و مجازات‌هایی طولانی‌تر از میزان تناسب صادر نمایند.» (سزواری نژاد، ۱۳۹۶: ۱۵۰)

راهبرد مکتب نئو کلاسیک یعنی عدالت استحقاقی با توجه به شخصیت مجرم و فایده اجتماعی، مبتنی بر کسب منافع ملی بوده و نمونه‌هایی از این راهبرد در قوانین کشورمان قابل

1. Seriousness/Gravity of offence

احصاء است. به عنوان مثال در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ذیل مواد ۲۸۱ و ۲۸۷ محارب و باغی را به جهت آثار شدید ناامنی اقداماتشان مستحق مجازات اعدام می‌داند. با این وجود به منظور بهره‌گیری از هدف فایده اجتماعی در اعمال مجازات، مجرمین همکاری کننده با ضابطان امنیتی را مستحق برخورداری از تخفیف یا حتی عدم مجازات می‌داند تا جایی که چنانچه فردی که جزء دستجات مفسدین یا اشخاصی اقدام کننده علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور است، قبل از تعقیب، قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دخیل هستند را به مأمورین دولتی اطلاع دهد و یا پس از شروع به تعقیب با مأمورین دولتی همکاری موثری نماید؛ بر اساس ماده ۵۰۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) از مجازات معاف خواهند شد. دقیقاً همین رویکرد در راهبرد امنیت مدار در سیاست کیفری کشور فرانسه در مواجهه با جرایم سازمان یافته همچون قاچاق مواد مخدر هم قابل مشاهده است؛ بدین ترتیب که طبق ماده ۲۲۲-۴۳ قانون مذکور تصریح می‌نماید: «هر شخصی که اقدام به ارتکاب جرایم مقرر در این بند [تولید یا ساخت یا واردات یا صادرات غیرقانونی مواد مخدر] کرده باشد در صورتی که با اطلاع مقام اداری یا قضایی امکان جلوگیری ارتکاب جرم و شناسایی مرتکبین یا سایرین را فراهم کرده باشد از مجازات معاف است.» (Legifrance website, 2023.01.11)

مکتب دفاع اجتماعی

مکتب دفاع اجتماعی با راهبرد اصلاح و بازپروری بزهکاران پا به عرصه وجود نهاد. «فیلیپ گراماتیکا» حقوقدان ایتالیایی در کتاب «اصول دفاع اجتماعی» با شعار «اصلاح فرد» معتقد بود اولاً باید بجای لفظ مجرم، از اصطلاح فرد ناهم‌رنگ جامعه استفاده شود و ثانیاً دفاع اجتماعی را جانشین حقوق کیفری نمود. بر این اساس گزاره‌هایی همچون عدم سود بخشی مجازات کیفری به جهت آبروریزی مجرم یا تأثیر منفی زندان در تهذیب اخلاق و اصلاح فرد، جزء مفاهیم مکتب دفاع اجتماعی بود.

البته پیشنهاد «دنایا بدون زندانی» گراماتیکا دستکم در خصوص مجرمین ضد امنیتی که با اقدامات خود دامنه‌ی ناامنی فرامرزی ایجاد می‌کنند؛ راهبرد برخوردی متناسبی محسوب نمی‌شد. از این جهت است «این سیاست که [همه] بزه‌کاران را قابل اصلاح و بازپروری می‌دانست پس از چندی با اعتراض و انتقاد جدی روبرو شد.» (آنسل، ۱۳۹۱: ۱۸) و رفته رفته بدین صورت اصلاح

شد که عدم برخورد سخت و سرکوبگرانه، نه تنها قبح ارتکاب جرم برای مرتکبین از بین نمی- برد؛ بلکه سایرین با محاسبه هزینه اندک جرم، به ارتکاب آن، تشویق خواهند شد. لذا «در ربع آخر قرن بیستم با اعلام آمارهای مربوط به افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها، تکرار جرم، ترس از جرم میان شهروندان و صرف هزینه‌های گزاف برای اعمال بازپروری بزهکاران و عدم موفقیت آن، رسماً شکست سیاستهای بازپرورانه اعلام شد و زمینه برای ظهور سیاستهای سرکوب گرانه‌ی امنیت گرا فراهم گردید.» (قناد و اکبری، ۱۳۹۶: ۴۲)

تعیین مجازات کیفری با اصول کیفیات مخففه و مشدده بهره‌مندی از مجازات‌های جایگزین یا تأسیساتی همچون عفو و تعلیق و آزادی مشروط و اقدامات تأمینی و تربیتی را بایستی جزء نتایج تطبیق آموزه مکاتب دفاع اجتماعی نوین با شخصیت مجرم محسوب کرد. در راهبردهای نظام افتراقی امنیت‌مدار اولاً عدالت قضایی به وضع مجازات‌های جسمانی به عنوان کیفر اصلی متمایل شده است، ثانیاً اعمال ارفاقات مجازاتی برای جرایم امنیتی تعدیل و بعضاً مستثناء شده‌اند. راهبرد سیاست کیفری ایران در قبال جرایم امنیتی نیز ممنوعیت اعمال تعلیق یا تعویق مجازات، مستند به بند الف ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی می‌باشد.

مبانی نظام عدالت کیفری مکاتب	
مسئولیت افراد مبنی بر آزادی اراده	کلاسیک
فایده گرایی در مجازات	
اصالت حقوق فرد	لیبرالیسم
کمینه مجوری در کیفر گذاری	
اصالت حقوق فرد و جامعه	نئولیبرالیسم
توسیع سزادهی	
اصالت سودمندی طبق مقتضیات اجتماعی	نئوکلاسیک
عدالت استحقاقی	
اصالت اصلاح و بازپروری بزهکاران	دفاع اجتماعی
تناسب سزادهی و بهره گیری از جایگزینی مجازات	

گزارش یافته‌ها

جرایم امنیتی که به تعبیری شامل جرم‌های کلان اقتصادی، اجتماعی و تروریستی می‌شود تأثیر شگرفی در ناامنی عمومی به ویژه در چند دهه اخیر داشته و موجب پدیدار شدن شاخه «حقوق امنیت ملی»^۱ شده است. در نظام حقوقی کشورمان نیز هرچند قانون خاص موسوم به قانون امنیت ملی وجود ندارد ولی خط سیری قابل مشاهده است که قوانین و مقررات ماهوی و شکلی منطبق با اهداف امنیت ملی را ساماندهی می‌نماید. به عنوان نمونه در دیباچه و اصول ۹ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۷۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی، موضوع امنیت مورد توجه قرار گرفته و شقوق مختلف آن اعم از حفظ آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از وظایف دولت و ملت تلقی شده است. در ادامه گزارش یافته‌های پژوهش مبتنی بر اصول و جلوه‌های عینی از راهبرد سیاست کیفری امنیت مدار با رویکرد تطبیقی و مقایسه‌ای احصاء و ارائه می‌گردد.

۸-۱. توسیع جرم‌انگاری

جرم‌انگاری «به معنای اعلان مجرمانه بودن عملی بوده که پیش از این، وصف مجرمانه نداشته است.» (cornu, 1992: 417) راهبرد کیفری به منظور نظم بخشی به جامعه و واکنشی به انحرافات و جرایم ارتکاب یافته در کشورها می‌باشد که مبتنی بر عواملی همچون رویکرد سیاسی حاکم، تاریخ، تمدن، فرهنگ، اعتقادات دینی و باورهای اجتماعی تعیین و ترسیم می‌شود. با افزایش مخاطرات ناشی از جرایم امنیتی برای آحاد جامعه و نقض استقلال و حاکمیت کشورها، راهبرد مشترک قانون‌گذاری، رویه قضایی و اجرایی جوامع، توسیع جرم‌انگاری در موضوعات امنیتی می‌باشد. افزون بر این، «گسترش ارتباطات در دنیای حقیقی و فضای مجازی، معرفی و تبلیغ الگوهای هنجارشکنانه و ضد امنیت را در پی داشته لذا موج نوین اقدامات بزهکارانه در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی در حال شکل‌گیری است» (Galeotty, 2007: 9) که در این شرایط گفتمان امنیت‌مداری، کشورها را به جرم‌انگاری اعمال بیشتری رهنمون می‌نماید تا از وقوع جرایم شدیدتر جلوگیری یا پیش‌گیری گردد.

به عنوان نمونه می‌توان به کاربست عملی در توسیع قوانین مرتبط با موضوع تروریسم در کشور انگلستان اشاره کرد؛ «این کشور در دو دهه اخیر، با تصویب بیش از چهار قانون تروریسم در سال

1. National Security Law.

۲۰۰۰، بزه و امنیت در سال ۲۰۰۱، پیشگیری از تروریسم در سال ۲۰۰۵ و قانون تروریسم مصوب ۲۰۰۶ توسل قابل توجهی به کیفر در قبال جرایم خشونت بار و تروریسم داشته است.» (مهدوی-پور، ۱۳۹۳: ۱۷۴) راهبرد دیگر در سیاست کیفری امنیت محور، جرم‌انگاری کلی است؛ در این راستا «قانون‌گذار فرانسوی بجای به کارگیری عناوین جنایت‌ها و جنحه‌های علیه امنیت داخلی ۱ و یا جنایت‌ها و جنحه‌های علیه امنیت خارجی ۲ از عنوان جنایت‌ها و جنحه‌های علیه منافع اساسی ملت ۳ استفاده می‌نماید. ورود این اصطلاح در حقوق کیفری فرانسه سبب بسط و گسترش دامنه جرم‌انگاری بسیاری از جرایم به ویژه جاسوسی تا جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شده است.» (مجیدی، ۱۴۰۰: ۲۴۸)

همین رویکرد در قوانین ایران نیز قابل مشاهده است؛ به عنوان مثال به جرم افساد فی الارض که فراتر از مفهوم محاربه اشاره می‌شود که نمونه‌ای از تغییر نگرش مقنن و برگزیدن راهبرد توسیعی در جرایم امنیتی است. بر این پایه، در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تصریح گردید: «هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.» بنابراین دایره وسیعی از جرایم علیه تمامیت جسمانی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی چنانچه در حد وسیع محسوب شوند، مستوجب مجازات شدید اعدام می‌باشد.

اطلاق گرایی

هر جرمی از حیث نتیجه به دو دسته جرم مطلق و مقید تقسیم می‌شود. رویکرد رو به گسترش نظام تقنینی ایران و سایر کشورها، اطلاق گرایی در توصیف جرایم امنیتی می‌باشد. در این رابطه «مقنن جزایی به خوبی دریافته است؛ در این حوزه نباید نتیجه مجرمانه خاصی را مد نظر داشت زیرا

1. Crimes et délits contre la sûreté intérieure.
2. Crimes et délits contre la sûreté extérieure.
3. Crimes et délits contre les intérêts fondamentaux de la nation.

در صورت حصول نتیجه، دیگر امنیتی باقی نخواهد ماند تا در سایه آن مقررات جزایی به مرحله اجرا در آیند» (عالی‌پور و کارگری، ۱۳۸۹: ۵۲) لذا تحقق رفتار مجرمانه ضد امنیتی برای مجازات مرتکب کافی است. چنین نگرشی در مورد جرایم مطلق مصداق می‌یابد توضیح این که «در جرایم مطلق، نتیجه خاصی در تحقق آن شرط نمی‌باشد ولی جرایم مقید، اغلب از جرایم زیان‌بار محسوب می‌شوند و به دلیل همین ویژگی، زیان زننده و ضرری که از وقوع آن پدید می‌آید، جرم و قابل مجازات هستند.» (Desportes et Le Gunehec, 2008: 366) در حقوق ایران می‌توان به مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) اشاره کرد که تشکیل یا اداره و یا حتی عضویت در دسته یا جمعیتی بیش از دو نفر با هدف برهم زدن امنیت کشور، جرم محسوب می‌شود، صرف‌نظر از اینکه تشکیل دسته یا عضویت به جرم امنیتی منتهی شده باشد یا خیر. مثال دیگر، اطلاق جرایم احصاء شده مندرج در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم اصلاحی ۱۳۹۷ می‌باشد که مقنن به بی‌اهمیتی انگیزه‌ی مرتکب و نتیجه حاصله از جرم، تصریح دارد.

از منظر تطبیقی، قانون فرانسه در احصای مصادیق جرم خیانت به کشور، جرایم را به طور مطلق، تعریف نموده است؛ همچنان که در ماده ۱-۴۱۱ قانون مجازات عمومی فرانسه مقرر گردیده «اعمال ارتكابی تبیین شده در مواد ۲-۴۱۱ تا ۱۱-۴۱۱ خیانت به کشور خواهد بود...»^۲ (Legifrance website, 2023.01.11) و سپس مصادیقی همچون تسلیم تمام یا قسمتی از سرزمین ملی، همدستی با یک قدرت خارجی و یا عوامل آن‌ها، خرابکاری و ارائه اطلاعات نادرست به مقامات از مصادیق خیانت به کشور محسوب شده‌اند. در انگلستان نیز مصادیق جرم خیانت به کشور به نحو مطلق بوده و «شامل طرح و نقشه قتل رئیس حکومت، پشتیبانی از دشمنان وی، کمک رسانیدن و مهمات دادن به آنها و برپا سازی جنگ علیه او می‌شود.» (ساریخانی،

۱. به موجب بند پ ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم اصلاحی ۱۳۹۷: ارتكاب برخی از اعمال صرف نظر از انگیزه مرتکب و نتیجه حاصله جرم محسوب می‌شود که اهم بندهای آن عبارت است از: ۱- اعمال خطرناک علیه ایمنی هواپیما یا هوانوردی، ... ۴- تولید، تملک، اکتساب، انتقال، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت، غنی سازی و انفجار غیرقانونی، سرقت، تحصیل متقلبانه و قاچاق عناصر و یا مواد هسته ای ... ۵- تولید، تملک، اکتساب، انتقال، سرقت، تحصیل متقلبانه، قاچاق، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت و استفاده یا تهدید به استفاده از سلاحهای هسته ای، شیمیایی، میکروبی و زیست شناسی (بیولوژیک) ... ۸- بمب گذاری در اماکن عمومی، تأسیسات دولتی، شبکه حمل و نقل عمومی یا تأسیسات زیرساختی.»
2. 1. N.C.P. art 411-1: "Les faits définis par les articles 411-2 à 411-11 constituent la trahison lorsqu..."

۱۳۸۷: ۱۷۴) البته قوانین انگلیس، دایره اطلاق گرایی را از رفتار مجرمانه به افکار مجرمانه‌ی خیانت به کشور نیز تعمیم نموده و حتی تصور براندازی حکومت پادشاهی را مستوجب مجازات می‌داند. در این رابطه «وزارت دادگستری انگلیس تأیید کرد که قانون هر فردی را که در اندیشه براندازی سلطنت است، به حبس ابد تهدید می‌کند... بر اساس قانون خیانت مصوب ۱۸۴۸ میلادی، هر فردی که تلاش کند در داخل انگلیس یا خارج از آن علیه پادشاه یا سلطنت وی دست به اقدامی ناشایست بزند و بکوشد تا وی را از سلطنت برکنار کند، جاه و مقام وی را خدشه‌دار کند و علیه وی جنگ به راه بیندازد و به تهدید پارلمان یا مجلس نمایندگان دست بزند، به خیانت علیه کشور محکوم است و برای سپری کردن حبس ابد به ماورای بحار منتقل می‌شود.» (این‌دیندنت به نقل از خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۲/۲/۲۳)

بنابراین میان نظام افتاقی کیفری ایران، فرانسه و انگلیس در جرایم امنیتی، مبتنی بر تعریف جرم بر پایه مطلق بودن، همسانی وجود دارد.

۸-۳. جامع‌نگری و کلی‌نویسی

اصلی موسوم به اصل کیفی بودن قوانین کیفری وجود دارد بدین معنا که قوانین بایستی صریح، منجز و بدون ابهام باشد. اصل کیفی بودن یا به تعبیر دیگر، اصل قطعیت قانون، متضمن آثاری همچون منع توسل به قیاس و عدم عطف بماسبق کردن قوانین است. «نتیجه مستقیم اصل قطعیت حقوقی، لزوم وضع قوانین شفاف و دقیق است.» (Robinson, 2014: 621) مراعات این اصول در راهبرد سیاست تقنینی کشورها در حوزه مسائل امنیتی، قانون‌نگاری به نحو جامع و کلی نویسی در تقنین و به بیانی توسعه اختیارات قاضی در تشخیص و تطبیق موضوع با حکم است. شاید در بادی امر، چنین تصور شود که خصیصه عدم شفافیت قوانین در این حوزه، عامدانه نبوده و در پی کم‌توجهی مقنن حادث گردیده است. ولی واقع امر، عمدی بودن این مسئله به جهت مخاطرات نوپدید امنیتی است. به بیان دیگر «وجود قوانین کلی و دو پهلو که قابل تفسیر باشد در واقع به مثابه ابزاری است که به دادرس داده می‌شود تا برداشت خود را به عنوان قانون به اجرا بگذارد.» (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۹۲) چنین راهبردی به معنای نقش دهی به دستگاه قضاء در جهت سزادهی به مظاهر ناامنی در سایر کشورها هم مصداق دارد. در همین راستا دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده زلیبیربرگ علیه کشور مولداوی، مفهوم مشارکت فعال در یک اجتماع غیرقانونی را

دارای مصادیقی گسترده دانست که به اشکال مختلفی انجام می‌یابد. بنابراین تعیین تمام مصادیق آن در قانون عملاً غیرممکن بوده و لذا صرف ذکر عنوان کلی مشارکت فعال را مخالف اصل شفافیت ندانست؛ زیرا می‌توان از طریق تفاسیر قضایی دامنه آن را محدود نمود و در واقع تنها راه مبارزه با این قبیل اقدامات غیرقانونی نیز همین است. (Ziliberg V. Moldova, 2015, pp. 10-11 para 1) رویکرد مشابه در دعوی دیگری علیه کشور لتونی مطرح شده بود موضوع مورد بررسی، مفهوم نظم عمومی و صورت نقض آن بود. در این پرونده دیوان ضمن پذیرش این نکته که مقرر داخلی دولت لتونی در تعیین اشکال متصور نقض نظم عمومی مبهم بوده است، چنین اعلام کرد که نظم عمومی ممکن است به اشکال و انحاء گوناگون نقض شود که نمی‌توان آنها را از قبل تعیین کرد. (Kudrevicius and others V. Lithuania, 2015, para 113 - 117).

نمونه‌هایی از کلی بودن قوانین در حقوق کیفری کشورمان قابل احصاء است که از جمله آن می‌توان به تعریف مبهم و موسع از واژه «فعالیت تبلیغی علیه نظام» ذیل ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) اشاره نمود؛ توضیح این که قانون‌گذار هرگونه فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام، جرم و مستوجب مجازات تلقی نموده است. «ماده فوق‌الذکر علی‌رغم کاربرد فراوان در عمل کلی و جامع بوده و هرگونه تلاشی از جمله برگزاری تظاهرات، راه انداختن ایستگاه‌های رادیویی، چاپ و پخش نشریه و اعلامیه و... که در قالب فعالیت تبلیغی قرار بگیرد را می‌تواند شامل شود که این امر، توسعه دامنه‌ی جرم مذکور را به دنبال دارد.» (مجیدی و تاج‌آبادی، ۱۳۹۸: ۳۰۲) به نظر می‌رسد با توجه به این که در محیط حقیقی و یا فضای مجازی، فعالیت‌های تبلیغی علیه ساختار حاکمیت و نظام در هر برهه - ای از زمان یا قلمرو جغرافیایی، شکل خاصی به خود می‌گیرد لذا قانون‌گذار در این مقوله ترجیح داده با هدف تأمین حداکثری امنیت و عدم ایجاد محدودیت در تطبیق مصادیق مجرمانه، جرم - انگاری نماید.

مسئولیت کیفری ثانویه (تسری مسئولیت به معاونین و مطلعین جرم)

نظام‌های کیفری هر کشوری در مورد جرم انگاری نسبت به معاونین جرم، دو نگرش «عاریتی» یا «مستقل» را اتخاذ می‌نماید. «مقنن ایران اسلامی در فصل معاونت در جرم، حسب مورد از هر دو دیدگاه بهره برده است. بدین معنا که علی‌الاصول از نظریه عاریتی تبعیت نموده است. لیکن در

برخی موارد از نظریه مسئولیت مستقل و تفکیکی نیز استفاده نموده است.» (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۹۵) آنچه به عنوان راهبرد در مواجهه با مصادیق محلّ امنیت قابل مشاهده است رویکرد پذیرش مسئولیت کیفری مستقل، برای معاون جرم است. نمونه‌ی بهره‌گیری از این نظریه در ماده ۱۴ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم متبلور است که اشعار می‌نماید؛ کلیه اشخاص مشمول قانون مبارزه با پولشویی موظفند گزارش عملیات مشکوک به تأمین مالی تروریسم را به شورای عالی مبارزه با پولشویی ارسال کنند. سپس در تبصره ۱ همین ماده می‌افزاید، چنانچه هر یک از اشخاص مذکور از روی آگاهی و عمد یا برای کمک و تسهیل ارتکاب جرم، وظایف مذکور را انجام ندهد، معاون جرم محسوب می‌شوند و مستقلاً مشمول مجازات خواهند بود.

از منظر آشنایی با رویه دیگر کشورها، نمونه‌ای که می‌توان برشمرد؛ به «معاونت در جرم جاسوسی از باب تحریک» مربوط شده که معاون، مجازات مستقل داشته هرچند که مباشر، جاسوسی نکرده باشد. در این راستا ماده ۱۱-۴۱۱ قانون جزای فرانسه تصریح می‌دارد: «تحریک مستقیم به ارتکاب یکی از جرایم پیش‌بینی شده در این بخش [یعنی جاسوسی] از طریق دادن وعده، هدیه، اعمال فشار، تهدید یا خشونت در صورتی که تحریک، به علت شرایط مستقل از اراده مرتکب، نتیجه‌ای نداشته باشد تا هفت سال حبس جنحه‌ای و تا یکصد هزار یورو جزای نقدی مجازات خواهد شد.» (Legifrance website. 2023.01.11)

به نظر می‌رسد در دیگر شقوق جرایم امنیتی، مثل قاچاق سلاح و یا مواد مخدر، مفاسد کلان اقتصادی اتخاذ چنین راهبردی ضروری است. همچنان که در کشورهای دیگر جرم‌انگاری معاونت در بیوتروریسم «به عنوان جرم مستقل با اسناد بین‌المللی که هرگونه مساعدت برای تهیه آن را ممنوع کرده است، هماهنگ بوده و می‌تواند به حفظ امنیت یاری نماید.» (یکرنگی، ۱۳۹۸: ۱۸۲) در مجموع پیش‌بینی می‌شود در آینده قانون‌گذار ایران، در سایر مصادیق امنیتی به سمت جرم‌انگاری مستقل معاون پیش خواهد رفت.

راهبرد دیگر سیاست کیفری امنیت‌مدار، تسری مسئولیت کیفری به مطلعین از جرایم امنیتی، به جهت عدم اعلام وقوع این جرایم به مبادی ذیربط است. توضیح بیشتر این که عدم اعلام هیچ جرمی از سوی آحاد مردم، مستقلاً جرم‌انگاری نشده ولی قاعده در مصادیق امنیتی متفاوت است. به عنوان مثال عدم اعلام جرم تأمین مالی تروریسم، توسط افرادی که از وقوع آن مطلع شده‌اند، به

طور مستقل واجد وصف کیفری است. همانگونه که اشاره شد قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم ایران تأکید نموده در این رابطه اشخاص مطلع وظیفه دارند مراتب را در اسرع وقت به مقامات اداری، انتظامی، امنیتی یا قضایی ذیصلاح اعلام کنند در غیر این صورت به مجازات تعزیری درجه هفت محکوم می‌شوند.



امروزه با توجه به افزایش کمی و کیفی جرایم سازمان یافته ضد امنیتی که گاه در ابعاد بین‌المللی پدیدار می‌شود؛ انتظار عمومی از سیاست کیفری در همه کشورهای جهان معرفی راهبردهای مؤثر و بازدارنده است. در بیان راهبرد سیاست کیفری امنیت مدار به لحاظ سیر تطور در جوامع غربی، اجمالاً این برداشت حاصل می‌شود که افراط گرایی در اعطای آزادی و راهبرد کمینه محور در کیفرگذاری جرایم امنیتی در دیدگاه لیبرالیستی به افزایش مخاطرات و عوامل تهدید کننده‌ی اجتماعی در قالب جرایم سازمان یافته و گاه بین‌المللی منتهی شد. لذا این کشورها در ربع آخر قرن بیستم و در گفتمان نئولیبرالیستی، رویکردی متفاوت اتخاذ نمودند و راهبرد تشدید سزادهی و اتخاذ سیاست مقابله‌ی پیشگیرانه با تروریسم و جرایم امنیتی، را کانون توجهات قرار دادند.

از منظر واکاوی در شکل‌گیری راهبرد سیاست کیفری امنیت مدار به لحاظ مکاتب به نظر می‌رسد شاخصه‌های سودمند گرایی، نیاز و تناسب در اعمال مجازات که از آموزه‌ی مکتب کلاسیک

و نئوکلاسیک بود، ایجاب می نمود راهبرد مجازات های استحقاقی بر اساس توجه به آسیب زا بودن جرم، خطرناک بودن و اصلاح ناپذیری برخی مجرمین و تمرکز بر قربانی بزه، به عنوان سزاگرایی جدید مدنظر قرار گیرد.

در بیان کاربست عملی راهبرد سیاست کیفری امنیت مدار که به طور مشترک در ایران و سایر کشورها مصداق دارد بایستی به توسیع جرم انگاری در موضوعات امنیتی اشاره کرد. در همین رابطه می توان به تصویب بیش از چهار قانون مرتبط با موضوع تروریسم در دو دهه اخیر در انگلستان و یا استفاده از عبارت موسع «جنایت ها و جنحه های علیه منافع اساسی ملت» در فرانسه با دربرگیری تمامی عناوین جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی در آن کشور اشاره کرد. همچنین تعریف مصادیق متکثر «افساد فی الارض» مندرج در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که شامل اقدامات ضد امنیتی داخلی و خارجی، فعالیت های بیوتروریسم، مفاسد مخمل نظام اقتصادی کشور و سایر جرایم گسترده می شود، مبین پیروی مقنن ایرانی از این راهبرد است.

افزون بر این، اطلاق گرایی در حقوق ایران که در مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) موضوع تشکیل یا اداره و یا حتی عضویت در دسته یا جمعیتی بیش از دو نفر با هدف برهم زدن امنیت کشور متبلور گردیده مؤید بی اهمیتی انگیزه ی مرتکب و نتیجه حاصله از جرم می باشد. به لحاظ اطلاق گرایی قوانین فرانسه (ذیل ماده ۱-۴۱۱ مجازات عمومی) و قانون خیانت ملی انگلستان مصوب ۱۸۴۸ میلادی، رویکرد مشابهی اتخاذ نمودند. فلذا قاضی در رسیدگی چنین پرونده هایی ملزم به احراز نتیجه مجرمانه نیست.

راهبرد پایانی تعریف مسؤولیت کیفری مستقل نسبت به معاونین و مطلعین جرم است. این مورد در سالیان اخیر به ویژه در جرم تأمین مالی تروریسم مصداق پیدا کرده و حاکی از رویکرد سختگیرانه مقنن با هدف بالا بردن تبعات جزایی است. در واقع جرم انگاری مستقل در این رابطه موجب می شود دیگران از همکاری با مجرمین امنیتی، خودداری نموده و مطلعین نسبت به اعلام آن به مبادی تأمین کننده امنیت اقدام نمایند.

پیشنهاها

مبتنی بر گزارش یافته‌های پژوهش درباره راهبرد سیاست کیفری امنیت‌مدار که به طور مشترک در ایران و سایر کشورها مصداق دارد؛ پیشنهادهای زیر قابل ارائه می‌باشد:

- تصویب قانون جامع امنیت ملی با لحاظ ماهیتی راهبردهای اطلاق‌گرایی و مسئولیت‌آوری نسبت به مباشرین، معاونین و مطلعین جرایم مزبور.
- تغییر رویکرد در دادرسی جرایم عمومی نسبت به جرم امنیتی و بهره‌گیری از تأسیسات نوین تقنینی برخی از کشورها همچون فرانسه در شناسایی نظام افتراقی در برخورد با جرایم سازمان‌یافته امنیتی.
- گفتمان‌سازی از طریق تولید علم نوشتاری و نیز ایجاد رویه‌های تفنینی و قضایی در داخل کشور با هدف همراهی و هماهنگی مقامات قضایی در رسیدگی پرونده‌های امنیتی.
- آموزش و آگاهی بخشی تخصصی نسبت ضابطین قضایی در جهت تبیین راهبردهای مذکور در گردشکارهای قضایی با هدف ایجاد وحدت رویه.

رهنمون سیاست قضایی کشور معطوف به اعمال مشوق‌ها و معافیت‌های مجازات در ازای همکاری مجرمین امنیتی با ضابطین به منظور شناسایی سرشبکه‌های گروه‌های مجرمانه سازمان یافته یا کاستن از تبعات اقدامات ناامن‌کننده.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- امام خامنه‌ای مدظله، (۱۳۷۶/۴/۲۵)، بیانات در دیدار با جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی انتظامی.
- امام خامنه‌ای مدظله، (۱۳۹۴/۷/۲۲)، بیانات در دیدار شرکت کنندگان در نهمین همایش ملی نخبگان فردا.
- انوری، حسن، (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، جلد اول، چاپ اول، تهران: سخن.
- ایندیپندنت (روزنامه لندن)، (۱۳۹۲/۲/۲۳)، جمهوری خواهی هنوز در انگلیس مجازات زندان دارد، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا).
- برنجی اردستانی، مرجان، (۱۳۸۹)، آثار امنیت‌گرایی در حقوق کیفری ایران امریکا، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال سوم، شماره سوم.
- برنجی اردستانی، مرجان، توجهی، عبدالعلی، (۱۳۹۱)، بررسی جایگاه امنیت‌گرایی در سیاست کیفری ایران و امریکا، فصلنامه پژوهش حقوقی کیفری، سال اول، شماره دوم.
- بشیریه، حسین، (۱۳۹۲)، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، لیبرالیسم و محافظه‌کاری، جلد دوم، چاپ دوازدهم، تهران: نشر نی.
- تدین، عباس، (۱۳۹۱)، تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- پرادل، ژان، (۱۳۹۴)، تاریخ اندیشه‌های حقوق کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دهم، تهران: انتشارات سمت.
- جعفری، مجتبی، (۱۳۹۲)، نقش گروه‌های فشار در شکل‌گیری، اجرا و تحول حقوق کیفری، دایره المعارف علوم جنایی، کتاب دوم، زیر نظر: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
- داودی گرمارودی، هما، (۱۳۸۲)، مکتب نئوکلاسیک نوین و احیاء سزاگرایی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران: شماره ۶۸.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۹)، لغت‌نامه‌ی دهخدا، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رستمی، هادی، (۱۳۹۴)، رویکرد فایده‌گرایانه به مجازات در پرتو نظریه‌ی بتتام، نشریه اندیشه‌های حقوق کیفری، سال اول، شماره اول.
- رستمی، هادی، (۱۳۹۱)، کیفر در نظریه‌ی لیبرالیسم، رساله‌ی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- سبزواری نژاد، حجت، (۱۳۹۶)، جایگاه اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق کیفری ایران و انگلستان، دوفصلنامه‌ی علمی - پژوهشی دیدگاه‌های حقوق قضایی، تهران: شماره ۷۷ و ۷۸.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم، کلانتری، حمیدرضا، زارع، ابراهیم، ریاضت، زینب، (۱۳۹۸)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد اول، چاپ پنجم، نشر میزان.
- عالی‌پور، حسن، کارگری، نوروز، (۱۳۸۹)، جرایم ضد امنیت ملی، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.

عالی‌پور، حسن، (۱۳۹۹)، مبانی حقوقی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره نود.

قناد، فاطمه، اکبری، مسعود، (۱۳۹۶)، امنیت گرای سیاست جنایی، پژوهش حقوق کیفری، سال پنجم، شماره هجدهم.

لازرز، کریستین، (۱۳۹۲)، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه نجفی ابرندآبادی، علی حسین، چاپ چهارم، تهران: میزان.

مجیدی، سید محمود، تاج آبادی، فاطمه، (۱۳۹۸)، تکنیک‌های جرم‌انگاری امنیت‌مدار در حقوق کیفری ایران، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال یازده، شماره ۲۱.

مجیدی، سید محمود، (۱۴۰۰)، آسیب‌شناسی سیاست کیفری ماهوی ایران در قبال بزه جاسوسی، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌وهشتم، شماره یکصدوپنجم.

آنسل، مارک، (۱۳۹۱)، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ سوم، ویراست چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مهدوی پور، اعظم، شهرانی، نجمه، (۱۳۹۳)، امنیتی شدن جرم شناسی، راهبردها و آثار آن بر حقوق کیفری، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره پنجم.

میرمحمد صادقی، حسین، قدیری بهرام‌آبادی، رشید، (۱۳۹۴)، نقش و جایگاه سیاست در عدالت کیفری حاکم بر جرایم تروریستی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره سیزدهم.

یکرنگی، محمد (۱۳۹۸)، راهبردهای نظام سیاست‌گذاری کیفری ایران و بین‌الملل در مقابله با تهدیدهای امنیتی بیوتروریسم، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره هشتادوپنجم.

- Bassiouni, M. Cherif, (1990), Effective National and International Action Organized Crime and Terrorist Criminal Activities, Emory International Law Review, Vol 4.
- Cornu, Gérard, (sous la dir.de). (1992). Vocabulaire juridique, Paris, 3eéd. PUF.
- Desportes, (Frédéric) et Francis le Gunehec, (2008): Droit pénal général, Paris, 9eéd, Economica.
- Easton, Susan and piper, Christine (2005), Sentencing and Punishment, Oxford University.
- Jansson, Ann (2009), Human trafficking & human security, USA and Canada by roaledge.
- Galeotty, Mark (2007), Global crime today – The chalenging fase of organised crime, first edition, New york: Routledg publication.
- Golder, Ben, Georges, Williams (2004), What is Terrorism? Problems of Legal Definitions, UNSW Law Journal, Vol.27 (2).
- Legifrance website. (2023.01.11). Retrieved from www.Legifrance.gouv.fr
- Lianosm, Michalis & Douglas (2000), Dangerization and the end of deviance, British journal of criminology.
- Robinson, William, (2014), Making EU Legislation Clearer, European Journal of Law Reform, 2014, (16),3.

